

رابطه آزادی مذهب و سایر حقوق و آزادی‌های بشر

دکتر امیر مقامی ■ شادی سادات مکی ■■

مقدمه

یکی از چالش‌هایی که جنگ جهانی دوم را به صحنه خونبار و ملال‌انگیزی تبدیل کرد، بی‌توجهی بخشی از جامعه بین‌المللی به آزادی مذهب بود. پس از آن، منشور ملل متحد مسأله حقوق بشر را به‌عنوان یک موضوع بین‌المللی قلمداد کرد و تبعیض بر اساس مذهب را ممنوع شمرد. این روند به تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر شد که صراحتاً آزادی مذهبی را به رسمیت شناختند. مواد ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی و پس از آن، ماده ۱۸ میثاق، بر آزادی مذهب و ابراز آن تصریح دارند. ماده ۱۸ میثاق، قواعد بنیادین مرتبط با این حق بشری بین‌المللی را بدین ترتیب بیان کرده است: حق آزادی مذهب، آزادی پذیرش مذهب، آزادی بیان مذهب، آزادی انجام آیین‌های مذهبی، منع تبعیض و اعمال زور به سبب پذیرش مذهب، محدودیت ابراز مذهب برای حفظ امنیت عمومی، نظم، سلامت، اخلاق یا حقوق و آزادی‌های دیگران و آزادی والدین در آموزش مذهبی و اخلاقی کودکان. حقوق مزبور طی اسناد و رویه قضایی متعاقب آن، به تدریج در پهنه نظام حقوقی بین‌المللی تثبیت گردیده و حدود آن روشن‌تر گشته است. اسناد خاص حقوق بشر، اسناد منطقه‌ای، کنوانسیون ژنو درباره رفتار با اسیران و حتی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، هر یک به نحوی بر این حق صحه گذاشته‌اند.

همان‌گونه که پیداست، چنین حقی که با فطرت و اندیشه انسانی سروکار دارد؛ برای تحقق و اثربخشی با مجموعه‌ای از حق‌ها و انگاره‌های مطلوب حقوق بشر نیز ارتباط نزدیک دارد. یادداشت حاضر رابطه آزادی مذهب را با چهار حق دیگر شامل آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات و صلح و امنیت بین‌المللی مورد بررسی قرار داده است.

۱. آزادی بیان و آزادی مذهب

یکی از مسائل مهم در حوزه حقوق و آزادی‌های بشری موضوع آزادی بیان است این حق در بحث آزادی مذهب از جایگاهی ویژه برخوردار است چرا که حق آزادی مذهب بدون حق بیان آزادانه آن متصور نیست اما این حق نیز تابع محدودیت‌هایی است.

■ عضو هیأت علمی دانشگاه.

■ کارشناس ارشد حقوق بین‌الملل.

در حوزه اعتقادات دینی و مقدسات مذهبی، آزادی نامحدود بیان در کشورهایی که مذهب در آنها بخشی از ایدئولوژی ملی را تشکیل می‌داد مورد شناسایی قرار نگرفت چنان که امروزه در عصر حاکمیت حقوقی حق‌های بشری این مسأله مطرح است که آیا آزادی بیان می‌تواند توهین به مذاهب را نیز تحت شمول خود درآورد و آیا سخنان، تصاویر یا نوشته‌های حاوی توهین به ادیان یا اعتقادات مذهبی می‌توانند موجب تحریک و خشونت و تنفر نسبت به اعتقادی خاص یا پیروان آن را فراهم کرده و به این سبب محروم شوند؟ لذا موضوع افترا به ادیان به‌عنوان مهم‌ترین بخش یا محدودکننده آزادی بیان در حوزه مذهب در این بخش قابل مطالعه است. غیر از ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و قواعد مربوط به ممنوعیت ایجاد تنفر دینی که منجر به تبعیض و ترویج تخاصمی گردد راجع به توهین به مقدسات و یا حق احترام به عقاید و معتقدات دینی افراد در میثاق ویا کنوانسیون حقوق بشر اروپایی و سایر اسناد مشابه مفاد صریحی وجود ندارد.^۱

البته در سال ۱۹۹۹ برای نخستین بار دولت پاکستان به نمایندگی از سازمان کنفرانس اسلامی پیش‌نویس قطعنامه‌ای را درباره افترا به ادیان به کمیسیون حقوق بشر ارائه داد، از آن سال تا کنون کمیسیون حقوق بشر و جانشین آن شورای حقوق بشر و حتی مجمع عمومی سازمان ملل قطعنامه‌هایی را در این مورد به تصویب رسانده‌اند، این قطعنامه‌ها در ابتدا تحت عنوان افترا به اسلام ارائه شده بود اما عنوان آن عمومیت پیدا کرد و تحت عنوان افترا به ادیان به تصویب رسید (سودمندی، ۱۳۹۲، ۵۰). این درحالی است که قطعنامه‌های مربوط به افترا به ادیان توسط بعضی از نهادهای حقوقدانان و نهادهای بین‌المللی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته است. مثلاً گفته شده که مبارزه با ادیان به معنای دقیق آن، یک موضوع حقوق بشری نیست زیرا نظام حقوق بشر دلبستگی به ادیان نداشته و با نظرهای دینی، بقایای ادیان یا وجهه ادیان سروکار ندارد بلکه نظام حقوق بشر با انسان‌ها و حقوق و آزادی‌های آنها سروکار دارد، این مخالفت‌ها تا جایی است که از نظر برخی حقوقدانان رویکرد متفاوت کمیته حقوق بشر به‌عنوان مهم‌ترین مخالف این قطعنامه‌ها با رویکرد کمیسیون حقوق بشر، شورای حقوق بشر و مجمع عمومی سازمان ملل را مبتنی بر وجود متخصصان مستقل در کمیته حقوق بشر و عملکرد سیاسی و مصلحت‌اندیشانه نهادهای گروه دوم دانسته‌اند.^۲

منتقدان قطعنامه‌های افترا به ادیان به درستی اظهار داشته‌اند که ادیان همانند دیگر نظرها و ایدئولوژی‌ها دارای حیثیت شخصی نبوده از این رو تحت حمایت حقوق بین‌الملل نیستند اما می‌توان هم نظر با بعضی نهادهای داخلی و بین‌المللی ادعا کرد که اگر طرح ادعاهای افتراآمیز نسبت به یک عقیده منجر به افترا به پیروان آن عقیده شود برخورد با آن مجاز است در واقع افترا به دین که منجر به افترا به پیروان آن دین و در نتیجه تضییع حقوق مادی یا معنوی دینداران شود ممنوع است از این رو قوانین داخلی برخی کشورها همچون ایرلند^۳ به ممنوعیت افترا به ادیان

۱. سعید، رهایی، ۱۳۸۹، آزادی دینی از منظر حقوق بین‌الملل بانگاهی به رهیافت اسلامی، چاپ اول، قم، انتشارات دانشگاه مفید.

2. Jeroen, Temperman,, 2008, Defamation of Religion and Human Rights Law, Netherlands Quarterly of Human Rights.

۳. ماده ۱۳ قانون افترای ایرلند: «هر کس افترای کفرآمیز ... را مطرح، چاپ یا منتشر کند ... مشمول جریمه نقدی یا حبس ... می‌شود».

تصریح کرده‌اند. (سودمندی، ۱۳۹۲، ۵۲) ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی رفع هرگونه تبعیض نژادی نیز موضوع محدودیت بر آزادی بیان را به شکل جدی مورد توجه قرار داده و مقرر داشته است: «دولت‌های عضو هر نوع تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر برتری یک نژاد یا گروهی از اشخاص که رنگ و یا منشا قومی معین دارند الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض نژادی را توصیه کند، تقبیح نمایند و متعهد شوند که به منظور ریشه کن ساختن این چنین تحریکات یا تبعیضات و به طور کلی برای محو هر قسم تبعیض نژادی سریعاً تدابیر لازم را اتخاذ نمایند و در این راه اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر را مورد توجه قرار دهند.» شایان ذکر است که در قوانین کشورهای اروپایی قوانین مغایر با ابراز تنفر نژادی منحصر در جهت حمایت از اقلیت‌های یهودی و مقابله با اقدامات احزاب راست‌گرای افراطی بوده است که با توجه به شرایط و اوضاع و احوال آن قاره پس از جنگ دوم جهانی تدوین شده‌اند.^۱

نگارنده همسو با نظر سودمندی بر این باور است که افترا به ادیان در صورتی که منجر به افترا به پیروان ادیان شود ممنوع است اما این نکته را نیز باید مدنظر قرار داد که افترا به ادیان به معنای انتقاد از ادیان نیست و در خصوص انتقاد از ادیان موضوع متفاوت است و نمی‌توان آزادی بیان را به دلیل انتقاد از مذهب یا مذاهبی خاص محدود یا ممنوع کرد. در قطعنامه ۱۰/۲۲ شورای حقوق بشر در سال ۲۰۰۹ نیز آمده است: براساس قواعد بین‌المللی حقوق بشر هر کس حق آزادی بیان دارد و همچنین حق دارد بدون مداخله دیگران معتقد به نظریه‌هایی باشد. اعمال حق آزادی بیان همراه با وظایف و مسؤولیت‌های خاصی است و بنابراین ممکن است مشمول محدودیت‌هایی شود که در قانون پیش‌بینی شده و برای احترام به حقوق و حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی، نظم عمومی، سلامت یا اخلاق عمومی ضروری باشد.^۲

بنابراین همان‌طور که مشاهده می‌شود احترام به حقوق و حیثیت دیگران از موارد محدود کننده آزادی بیان است لذا می‌توان گفت در حوزه آزادی مذهب نیز می‌توان با استفاده از این موضوع آزادی بیان را محدود کرد به عبارت دیگر چنانچه موارد مطروحه سبب افترا به گروهی خاص شده یا نسبت به آنان در جامعه ایجاد تنفر نموده و حقوق آنان را با مشکل مواجه کند در چنین شرایطی می‌توان آزادی بیان را با محدودیت مواجه کرد. اما همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، همچنین براساس تأکید قطعنامه پیش‌تر گفته شده هر کس می‌تواند بدون مداخله دیگران نظری داشته باشد لذا صرف داشتن اعتقادی مغایر با مذاهبی خاص یا حتی صرف بیان نظر مخالف یا انتقاد از ادیان نمی‌توان آزادی بیان را محدود کرد هرچند که برای پیروان مذاهب ناراحت کننده باشد. بنابراین از نظر نگارنده از یک سو ضروری است به تفاوت میان افترا یا توهین به ادیان و انتقاد از ادیان توجه کرد و پیروان ادیان و اعتقادات مذهبی مختلف تحمل نسبت به شنیدن اظهارات مخالف اعتقادات خود داشته باشند و از سوی دیگر این نکته را مورد توجه قرار داد که آنچه اهمیت دارد نه حمایت از ادیان که حمایت از پیروان اعتقادات مذهبی مختلف در برابر آسیب‌های ناشی از بیانات افتراآمیز است.

۱. سید محمد امین، موسوی، ۱۳۹۲، آزادی دینی به مثابه تعهد بین‌المللی با نقد آراء دیوان اروپایی حقوق بشر، نشر اینترنتی.
 2. Resolutions 10/22, 2009, Human Rights Council.

۲. آزادی مذهب و آزادی دسترسی به اطلاعات

در جهان امروز پیشرفت تکنولوژی و گسترش وسایل ارتباط جمعی، امکان برقراری ارتباط از راه دور را بیش از پیش میسر ساخته است چنان‌که افراد می‌توانند اطلاعات، فرهنگ، ایدئولوژی و اعتقادات خود را در فضای عمومی یا همان فضای مجازی به نمایش گذارده و از این طریق با دیگر افراد در هر کجای دنیا آشنا شده و به بحث و تبادل نظر بنشینند. به عبارت دیگر افراد از طریق آشنایی و تبادل نظر به نوعی درک متقابل با یکدیگر رسیده و شاید با گذر زمان بتوان امیدوار بود که بسیاری از سوءتفاهم‌های ناشی از تبلیغات منفی دولت‌ها نسبت به اعتقادات، فرهنگ یا سبک زندگی مردم در دیگر نقاط دنیا؛ از طریق ارتباط افراد جوامع مختلف با یکدیگر برطرف شود. بنابراین سازوکار قدرتمند و سازمان‌یافته تبادل اطلاعات، آرا و عقاید لازمه پیشرفت هر جامعه از جمله جامعه بین‌الملل است.

امروزه اطلاعات نه تنها به‌عنوان سرمایه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی تلقی می‌شود بلکه اهمیت آن به حدی است که این عصر را عصر اطلاعات می‌نامند. امروزه با گسترش وسایل ارتباطی به جای آزادی مطبوعات، اصطلاح «آزادی اطلاعات» را به کار می‌برند. در واقع منظور از آزادی اطلاعات دسترسی عموم شهروندان به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی، برخی مؤسسات خصوصی و فعالیت‌های بدنه حکومت درباره اعمال حاکمیت و در عرصه بین‌المللی و ملی است. حق انتشارات و دسترسی آزاد به اطلاعات که موضوع قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات است به معنای دسترسی آحاد جامعه به اطلاعات موجود نزد مؤسسات عمومی است. این قانون متضمن دو حق است یکی حق انتشار و حق دسترسی به اطلاعات که منظور از آن عدم وجود مانع بر سر راه انتشار اطلاعات است مگر در موارد تعیین شده در قانون و دیگری حق دسترسی آزاد به اطلاعات که قبلاً به آن اشاره شد. (بابایی و نظری، ۱۳۹۰، ۴۸ و ۴۹) حق دسترسی آزاد به اطلاعات در برخی اسناد بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته است که ماده ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱ از آن جمله است این ماده مقرر می‌کند: «هرکس حق آزادی عقیده و بیان دارد. این حق شامل آزادی حفظ عقاید، مصون از تعرض و جستجو، کسب و اظهار اطلاعات و اندیشه‌ها از هر طریق و بدون توجه به مرزها می‌باشد.» این ماده به روشنی آزادی اطلاعات را به صورت «مطلق» مقرر می‌دارد و عبارات «هرکس»، «اظهار اطلاعات»، «از هر طریق» و «بدون توجه به مرزها» به خوبی نمایانگر اطلاق این ماده است. بنیان‌گذاران نظریه جریان آزاد اطلاعات (لاسول، ویلبرشرام، لازارسفلد، راجرز) می‌باشند.

آزادی اطلاعات یا جریان آزاد اطلاعات نتیجه طبیعی و حق اولیه آزادی بیان و عقیده است. همچنان‌که تولید اطلاعات در سطح ملی و بین‌المللی رشد می‌یابد، دسترسی مناسب به آن نیز به‌عنوان ابزاری که موجب کاهش وابستگی اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌گردد، اهمیت پیدا می‌کند. بنابراین آنچه در جریان آزاد اطلاعات از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌گردد توزیع اطلاعات است.^۲

۱. محمدعلی، بابایی، زهرا، نظری، ۱۳۹۰، آزاد ی اطلاعات: محدودیت‌ها، بایدها و نبایدها، فصلنامه اطلاع رسانی حقوق.

2. Universal Declaration of Human Rights, 1948.

۳. میثم، موسی‌پور، ۱۳۹۱، وب سایت ارتباطات نوین:

(available at: <http://meysammosapour.blogfa.com/post-22.aspx>)

توجه به این نکته ضروری است که ماده ۱۹ اعلامیه حقوق بشر^۱ در ابتدای این ماده بر داشتن حق آزادی بیان و عقیده اشاره کرده و آزادی اظهار اطلاعات را بخشی از این حقوق می‌داند. ماده ۱۹ حقوق مدنی و سیاسی نیز آزادی بیان را مستلزم آزادی کسب اطلاعات و افکار و انتشار آن‌ها فارغ از ملاحظات مرزی می‌داند. بند ۲ این ماده نیز آزادی بیان را مستلزم آزادی جستجو و کسب اطلاعات و افکار از هر قبیل بدون توجه به مرزها، به صورت کتبی و شفاهی یا به صورت نوشته یا چاپ یا به صورت هنری یا به هر وسیله دیگری به انتخاب خود فرد می‌داند که این موضوع بیانگر حمایت بین‌المللی از آزادی جستجو و کسب اطلاعات است. به عبارت دیگر آزادی بیان و آزادی اطلاعات دو روی یک سکه بوده و لازم و ملزوم یکدیگر هستند اگرچه در این نوشتار آزادی بیان و آزادی اطلاعات را به صورت جداگانه مورد بررسی قرار داده‌ایم اما باید گفت که آزادی بیان و آزادی دسترسی به اطلاعات را نمی‌توان از یکدیگر تفکیک کرد. مقامی در اینباره می‌گوید: «آزادی بیان دو رویه دارد، یکی آزادی برای آن‌که می‌گوید و دیگری آزادی برای آن‌که می‌شنود (مخاطب)، یعنی نمی‌توان گفت افراد در بیان دیدگاه خود آزادند اما دیگران از دسترسی به دیدگاه‌های او منع هستند چه بسا نیل به بیان مستلزم داشتن اطلاعات، آگاهی، تحلیل، فکر و عقیده است. بنابراین آزادی بیان با آزادی‌های دیگری در زمینه عقیده، وجدان و دسترسی به اطلاعات معنا می‌یابد.»^۲

اگرچه جریان اطلاعات از طریق مطبوعات و آژانس‌های خبری و از طریق فعالیت هزاران خبرنگار در سراسر جهان به گردش در می‌آید، اما در جهان امروز که انقلاب اطلاعات و ارتباطات در روابط مردم تغییراتی ایجاد کرده و مرزهای فیزیکی را درنور دیده است نمی‌توان تنها عوامل انتشار اطلاعات را مؤسسات و بنگاه‌های خبری دانست چرا که فناوری‌های نوین ارتباطی همچون اینترنت ابعاد مختلف حیات انسان را گسترش داده است چنان‌که امروزه هر شهروند می‌تواند اطلاعات یا افکار خود را از طریق فناوری نوین در اختیار سایرین در اقصی نقاط جهان قرار دهد.

برقراری ارتباطات خارج از محدوده مرزهای جغرافیایی و محصور معمول، برخی را بر آن داشته است که تکنولوژی‌های ارتباطات و اطلاعات نوین جمعیت قابل توجهی را در جهان در تعامل با یکدیگر قرار داده و با فرهنگ‌ها و عقاید بیگانه آشنا ساخته است. چنان‌که در خصوص از دست دادن هویت‌های ملی و مذهبی خود احساس خطر کردند، این پژوهشگران براین باورند که چنین فناوری‌هایی می‌تواند تخریب فرهنگ‌های موجود و هویت‌های مذهبی را افزایش دهد. بنابراین هنگامی که درباره فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی صحبت می‌شود باید به اثرات منفی آن هم توجه شود که اولین اثر منفی ستیز بین مذهب، هویت و فرهنگ جوامع است که به واسطه این فناوری‌های نوین ایجاد شده است. اما برخی دیگر از اندیشمندان نیز براین باورند که فناوری‌هایی همچون اینترنت با ایجاد ظرفیتی بالا برای کنش متقابل با افراد دیگر و دریافت اطلاعات آن سوی زمان و مکان، به کاربران اجازه می‌دهد تا بی‌واسطه و بی‌هیچ محدودیتی از اطلاعات مختلف استفاده و با دانش و میراث‌های فرهنگی کشورهای دیگر آشنا شوند و در حقیقت منبعی از اطلاعات و دانش فرهنگی را در

۱. Universal Declaration of Human Rights, 1948.

۲. مقامی، امیر، ۱۳۹۲، حقوق بین‌الملل ارتباطات گفتاری برای دوره کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل، اصفهان، دانشگاه اشرقی اصفهان.

اختیار آنان قرار می‌دهد.^۱ قطعنامه جهان علیه خشونت و افراط‌گرایی نیز بر لزوم اطلاع رسانی دولت‌ها درباره خاستگاه افراط‌گرایی خشونت‌بار و تبعیض در میان جوامع خود تأکید کرده و نقش مهم رسانه‌ها در اشاعه تحمل و بردباری و احترام به مذاهب و تنوع فرهنگی را مورد توجه قرار می‌دهد. همچنین این قطعنامه تأثیر جریان آزاد اطلاعات بر ایجاد تفاهم میان مذاهب و فرهنگ‌های مختلف را مورد تأکید قرار داده و اعلام می‌کند: «از تمامی کشورهای عضو می‌خواهیم از بردباری و احترام متقابل حمایت و درخصوص آن اطلاع‌رسانی کنند و تأکید می‌کنیم بر مشارکت بالقوه رسانه‌ها و فناوری‌های نوین ارتباطی شامل اینترنت در اشاعه احترام به حقوق بشر و ارتقای تفاهم بیشتر میان مذاهب، اعتقادات، فرهنگ‌ها و مردم و ارتقای بردباری و احترام متقابل در راستای تقویت مبارزه با افراط‌گرایی خشونت‌بار».^۲

از نظر نگارنده نیز ارتباطات نوین و آشنایی افراد جوامع مختلف با فرهنگ‌ها و مذاهب یکدیگر نه تنها سبب ستیز مذهبی نیست بلکه این امر موجبات تسامح فرهنگی و گفت‌وگو میان ادیان و فرهنگ‌های مختلف را فراهم می‌آورد. در واقع آشنایی افراد با مذاهب و عقاید مذهبی و غیر مذهبی گوناگون سطح آگاهی مردم نسبت به مسائل مختلف را افزایش داده و تعامل میان صاحبان عقاید مذهبی مختلف و آشنایی آنان با یکدیگر به مرور زمان می‌تواند از افترا به ادیان ممانعت کند. همچنین با توجه به وابستگی آزادی اطلاعات به دو حق آزادی بیان و آزادی عقیده که در ماده ۱۹ میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است می‌توان گفت؛ جریان آزاد اطلاعات در فناوری‌های نوین ارتباطی امکان تفکر بیشتر نسبت به مذاهب مختلف را فراهم کرده و حق انتخاب افراد را برای پذیرش یا انتخاب یک دین افزایش داده است. از سوی دیگر همان‌طور که پیش‌تر نیز گفته شد این موضوع می‌تواند زمینه‌ساز کاهش سوتفاهم‌ها و سوبرداشته‌ها نسبت به مذاهب مختلف و پیروان آن شده و زمینه دوستی میان فرهنگ‌ها و پیروان مذاهب مختلف را فراهم آورد.

۳. آزادی مذهب و صلح و امنیت بین‌المللی

در مقدمه اعلامیه سازمان ملل مبنی بر محو همه اشکال ناپردباری و تبعیض بر اساس مذهب و باور^۳ براین موضوع تأکید می‌شود که حق آزادی مذهب و باور می‌تواند به اهداف صلح جهانی، عدالت اجتماعی و دوستی میان افراد کمک نماید. همچنین در مقدمه اعلامیه حقوق بشر^۴ آمده است که عدم شناسایی و تحقیر حقوق بشر منتهی به اعمال وحشیانه‌ای گردیده است که روح بشریت را به عصیان واداشته و ظهور دنیایی که در آن افراد بشر در بیان عقیده آزاد و از ترس و فقر فارغ باشند به‌عنوان بالاترین آمال بشر اعلام شده است. به عبارت دیگر در این مقدمه ممانعت از بیان آزادانه عقیده - که بالطبع عقاید مذهبی را نیز در برمی‌گیرد - به‌عنوان یکی از عوامل به خطر افتادن امنیت بشر و ارتکاب اعمال وحشیانه شناخته

۱. شراره، مهدیزاده، زینب، عنبرین، ۱۳۸۹، بررسی رابطه میزان ونحوه استفاده از اینترنت و هویت فرهنگی جوانان، سال پنجم، شماره ۱۷، تهران، فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.

2. General Assembly, A world against violence and violent extremism, Resolution 68/127, 2014, para 4, 10.

3. Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief, 1981.

4. Universal Declaration of Human Rights, 1948.

شده است. بنابراین به نظر می‌رسد هدف از آزادی مذهب تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و جلوگیری از وقوع جنایت علیه بشریت است.

نگارنده براین مطلب تأکید می‌کند که بروز و رشد برخی از حرکت‌های افراط‌گرایانه تروریستی براساس مذهب در دوران معاصر لزوم هر چه بیشتر تشویق و پیشبرد احترام به آزادی مذهب در جهان را یادآوری می‌کند. چنان‌که خانم کویا اولین گزارشگر ویژه در موضوع حقوق بشر و تروریسم در گزارش مقدماتی خود در سال ۱۹۹۹ به‌طور گذرا و بدون ذکر مستند در این خصوص می‌گوید: «دانشگاهیان و کارشناسان به تکرار، برخیزش اخیر و ازدیاد نهادهای سازمان یافته تروریستی مذهبی و شبه مذهبی تأکید دارند» (رهایی، ۱۳۸۹، ۵۳۸)

قطعنامه ۲۱۷۸ شورای امنیت سازمان ملل بر علیه تروریسم نیز براین موضوع تأکید می‌کند که تروریسم را نباید به هیچ مذهب، ملیت یا تمدنی پیوند زد و همچنین تأکید می‌کند که کشورهای عضو باید تضمین کنند رویکردهایی که برای مقابله با تروریسم در نظر گرفته شده باید با تمامی الزامات قوانین بین‌المللی و به‌ویژه حقوق بین‌الملل بشر، قوانین بین‌المللی مهاجران، و حقوق انسانی بین‌المللی به‌طور خاص بر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و حاکمیت قانون تأکید دارد، منطبق باشد.^۱

تأکید قطعنامه مذکور بر رعایت حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در اقدامات اتخاذ شده در خصوص مقابله با تروریسم بیانگر آن است که ترس از تروریسم بر اساس مذهب و مقابله با آن نمی‌تواند براهت دولت‌ها را از تعهد به تضمین آزادی‌های مبتنی بر حقوق بشر را فراهم کند و احترام به این حقوق که حق آزادی مذهب نیز از آن جمله است، از اصول لازم‌الاجرا در مقابله با تروریسم است.

1. Security Council, Resolution 2178, 2014, p1.